

رویکرد صفویان نسبت به مذهب در دوره شاه اسماعیل اول صفوی

افتخار قاسم زاده^۱

لیلا محمدی خشک‌ناب^۲

میثم سلیمانی^۳

چکیده

شاه اسماعیل اول صفوی (۹۳۰ - ۹۰۷) پایه‌گذار و نخستین شاه دولت صفوی بود. حکمرانی شاه اسماعیل به دو دلیل نقطه عطفی در تاریخ ایران است. دلیل نخست این که پس از گذشت نهمصد سال از انقراض شاهنشاهی ساسانیان؛ یک فرمانروایی پادشاهی متمرکز ایرانی توانست بر سراسر ایران آن روزگار فرمانروایی نماید. دلیل دوم، اعلام رسمی مذهب شیعه دوازده امامی بود. تغییر مذهب ایرانیان از تسنن به تشیع در طی سده های شانزدهم تا هجدهم میلادی به وقوع پیوست و ایران را به مرکز تشیع در جهان تبدیل کرد. پژوهش حاضر با شیوه توصیفی - تحلیلی با اتکا به منابع دست اول و تحقیقات جدید بر آن است تا رویکرد صفویان نسبت به مذهب در دوره شاه اسماعیل اول صفوی را مورد بررسی قرار بدهد. یافته های تحقیق نشان از آن دارد که شاه اسماعیل اول صفوی برای ایجاد یک هویت ملی و در راستای آن ایجاد یک دولت متمرکزتر و قوی‌تری، اقدام به اعلام رسمی تشیع به‌عنوان مذهب رسمی کشور کرد. شاه اسماعیل صفوی در راستای تغییر مذهب، نیاز عاجلی برای برقراری همگونی فکری از طریق ارشاد و تسریع اشاعه عقاید شیعی داشت که دست به اقداماتی در این زمینه کرد. مذهب شاه اسماعیل ویژگی‌ها و پیامدهای منحصر به فرد خود را داشت که می‌توان به تعصب در مذهب و بت قرار دادن شاه اسماعیل از سوی پیروانش و پرستش وی و رواج خرافه‌گرایی و پیامدهای چون نفاق مذهبی در جامعه ایرانی و ایجاد دشمنی با همسایگان سنی را به دنبال داشت. **واژگان کلیدی:** صفویان، تغییر مذهب، تشیع، تسنن، شاه اسماعیل اول صفوی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی - دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).

(نویسنده مسئول)

eftekhargasemzadeh@gmail.com

۲. کارشناسی تاریخ و تمدن ملل اسلامی و دبیر تاریخ آموزش و پرورش ناحیه ۳ تیریز.

mhmdylyla551@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی - دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).

meysamsoleymani82@gmail.com

مقدمه

اسماعیل در سال ۹۰۷ در تبریز تاج گذاری کرد و به نام شاه اسماعیل صفوی خوانده شد، او توانست کشور ایران را که به علت ضعف و سستی و فترت حکومت اواخر تیموری دچار حکومت ملوک-الطوائفی و هرج و مرج شده بود و در گوشه و کنار هر کس داعیه استقلال و سلطنت داشت نجات دهد؛ و مدعیان سلطنت و رقبای خود را از میان بردارد و حکومت واحدی تشکیل دهد.

عامل مهمی که باعث ایجاد حکومت مرکزی گردید، رسمی کردن مذهب شیعه در ایران است. لذا نگاهی به تاریخچه مختصر شیعه و تکاپوی پیروان آن برای نیل به حکومت و برقراری یک دولت شیعی ضرورت دارد. به طور کلی پیروان حضرت علی بن ابی طالب (ع) که ایشان را جانشین بلافصل پیغمبر (ص) می‌دانند شیعه نامیده‌اند و اکثریت این دسته را ایرانیان تشکیل می‌دهند که همیشه بر علیه خلفای اموی و عباسی که کمتر توجه به دستورات اسلامی داشته‌اند، قیام کرده‌اند و در تقویت و ترویج آیین تشیع قدم‌های مؤثری برداشته‌اند. از جمله خاندان آل بویه که خلیفه عباسی را در بغداد خلع کردند و آیین تشیع را رواج دادند و برای اولین دفعه در ایام عاشورا مراسم عزاداری برای بزرگداشت قهرمانان کربلا برپا نمودند. علمای بزرگی نیز مانند ابن بابویه، شیخ طوسی، کلینی و دیگران با انتشار آثار خود خدمات بزرگی به پیشرفت آیین تشیع کرده‌اند. در دوران سلسله‌های ترک نژاد مثل غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان که سنی مذهب بودند، آیین تشیع پیشرفتی نداشت و شیعیان مورد آزار و اذیت حکام ترک نژاد بودند. وقتی که مغول‌ها در ایران به حکومت رسیدند چون آن‌ها به دین اجدادی خود معتقد بودند برای آن‌ها تشیع و تسنن یکسان بود، ولی تکودار که یکی از خوانین مغول است دین اسلام را پذیرفت و نام خود را احمد گذاشت، بعد از او تا زمان غازان خان آیین اسلام مورد توجه خوانین مغول نبود ولی خان اخیر، دین اسلام را پذیرفت و آن را دین رسمی مملکت اعلام نمود و برای خود نام محمود را انتخاب کرد و به دستور او مساجد و مدارس زیادی برای تعالیم اسلامی ساخته شد. الجایتو، خان دیگر مغول ابتدا پیرو آیین تسنن بود ولی بعداً آیین تشیع را انتخاب کرد و دستور داد نام دوازده امام را روی سکه‌ها نقش کنند. تا این که در زمان سلطنت شاه اسماعیل صفوی، مذهب شیعه مذهب رسمی مملکت اعلام گردید.

ما در این پژوهش قصد بر آن داریم، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی به سوالات زیر پاسخ بدهیم:

۱. دلایل و اهداف تغییر مذهب از تسنن به تشیع توسط شاه اسماعیل اول صفوی چه بوده است؟
۲. روش‌های تغییر مذهب از سویی شاه اسماعیل چه بوده است؟
۳. مؤلفه‌ها و ویژگی‌های مذهب شاه اسماعیل اول صفوی چه بوده است؟
۴. نتایج و پیامدهای تغییر مذهب از تسنن به تشیع توسط شاه اسماعیل اول صفوی چه بوده است؟

با پاسخ گویی به این سئوالات می‌توان نمای کلی از رویکرد صفویان نسبت به مذهب در دوره شاه اسماعیل اول صفوی به دست آورد.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که شاه اسماعیل اول صفوی برای ایجاد یک هویت ملی و در راستای آن ایجاد یک دولت متمرکزتر و قوی‌تری، اقدام به اعلام رسمی تشیع به‌عنوان مذهب رسمی کشور کرد. در راستای اعلام مذهب شیعه به‌عنوان دین رسمی کشور موجب اعتراضاتی شد که مجازاتی را به دنبال داشت و شاه اسماعیل صفوی در راستای تغییر مذهب، نیاز عاجلی برای برقراری همگونی فکری از طریق ارشاد و تسریع اشاعه عقاید شیعی داشت که دست به اقداماتی در این زمینه کرد. مذهب شاه اسماعیل ویژگی‌ها و پیامدهای منحصر به فرد خود را داشت که می‌توان به تعصب در مذهب و بت قرار دادن شاه اسماعیل از سوی پیروانش و پرستش وی و رواج خرافه‌گرایی و پیامدهای چون نفاق مذهبی در جامعه ایرانی و ایجاد دشمنی با همسایگان سنی را به دنبال داشت.

شاه اسماعیل اول صفوی (۹۳۰ - ۹۰۷)

شاه اسماعیل اول، مؤسس دولت صفوی به سال ۹۰۷ هجری در سیزده سالگی قیام مردانه و تاریخی خود را در راه مبارزه با جور و فساد و برانداختن حکومت ملوک الطوائفی در سرتاسر ایران آغاز کرد و با استفاده از مقام و موقعیت خاصی که از آبای کرامش به ارث برده بود؛ ترویج مذهب تشیع را اساس کار خویش قرار داد و با نیروی ایمان و رشادت و کاردانی کم نظیری که از صفات بارز وی بود؛ توانست بر مخالفان خود چیره گشته و در مدت کمتر از ده سال به تجدید وحدت ملی و سیاسی ایران نایل آمد و مذهب تشیع را مذهب رسمی ایران گرداند. پیشرفت سریع این شهریار در راهی که پیش گرفته بود؛ سبب شد که وی بیش از پیش مورد تکریم و احترام ملت ایران قرار گیرد تا به جایی که مرشد کاملش خوانند و فداکاری و جان بازی را در راه وی مایه سعادت و افتخار دانند (اسکندر بیک ترکمان، ۱۳۴۹: ۱۵).

اعلام تشیع اثنی عشری یا دوازده امامی در ۹۰۷ / ۱۵۰۱ به عنوان مذهب رسمی کشور تازه تأسیس صفویه که هنوز پایه‌های خود را تحکیم نکرده بود، از سوی شاه اسماعیل در تبریز مهم‌ترین تصمیم او بود. تشیع اثنی عشری شالوده یکی از پایه‌های قدرت رهبران صفویه بود، یعنی ادعای آن‌ها مبنی بر اینکه نماینده امام دوازدهم مهدی (ع) هستند؛ کیش علی (ع) حداقل از قرن سیزدهم / هفتم وابستگی نزدیکی با پیشرفت تصوف ایران یا باطنی‌گری اسلامی یافته بود و مقام مرشد کامل دومین پایه قدرت رهبران صفویه بود؛ سرانجام با اظهار این مطلب که حسین (ع) پسر کوچکتر علی (ع)، با دختر یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی ازدواج کرده است، شیعیان خاندان علی (ع) را میراث کهن سلطنت در ایران و حق الهی شاهان ایران که منشأ آن «فرازدی» آنان بود، پیوند داده بودند.

این سومین پایه قدرت شاهان صفوی بود. بنابراین تشیع اثنی عشری مهم‌ترین عامل در تبلیغات مذهبی و ایدئولوژی سیاسی صفویه بود (سیوری، ۱۳۷۴: ۲۶).

تشیع در اصل یک نهضت سیاسی بود و شیعیان علی (ع) (یاران علی) از دعوی خلافت علی (ع)، پسر عمو و داماد پیامبر، حمایت می‌کردند. شیعیان معتقدند که محمد (ص) در سال ۶۳۲ / ۱۰ ق. در مراسمی در غدیر خم علی (ع) را رسماً به‌عنوان جانشین خود (خلیفه) برگزید. بنابراین شیعیان سه خلیفه اول (ابوبکر، عمر و عثمان) را غاصب می‌دانند و لعن این سه همیشه بخشی از وظایف و مستحب شیعیان بوده است. اگرچه تأکید بر آن بسته به زمان تغییر می‌کرده است. در ایام اولیه دولت صفوی که شور انقلابی هنوز قوی بود تأکید بر لعن سه خلیفه می‌شد. طرفداران صفویه که بنام تبرائیان^۱ (کسانی که روح و جسم خود را وقف شاه کردند) شناخته می‌شدند در کوچه و بازار راه می‌افتادند و نه تنها سه تن خلفای راشدین یاد شده، بلکه همه دشمنان علی (ع) و دیگر امامان و به طور کلی سنی‌مذهبان را لعن می‌کردند. هر کس که بی‌درنگ در جواب نمی‌گفت، «بیش باد و کم مباد!» خطر آن بود که در دم خونس ریخته شود (فلسفی، ۱۳۴۵، ج ۳: ۳۵؛ Savory, 1972: 85).

به رغم دو قرن تبلیغات صفویه، ترویج تشیع به‌عنوان مذهب رسمی کشور خطرناک بود و بعضی از مشاوران اسماعیل از واکنش حاصل از این کار نگران بودند. آن‌ها می‌گفتند «از سیصد هزار - دویست هزار نفر مردم تبریز دو سوم سنی هستند ... ما می‌ترسیم مردم بگویند فرمانروای شیعی نمی‌خواهند. اگر خدای نکرده! مردم از قبول تشیع خودداری کنند چه کار می‌توانیم بکنیم؟» پاسخ اسماعیل سازش ناپذیر بود؛ او می‌گفت مأمور انجام این کار است و خداوند و امامان معصوم همراه اویند و از هیچکس هم باکی ندارد. او می‌گفت «به یاری خدا، اگر رعیت حرفی بگویند شمشیر می‌کشم و یک کس را زنده نمی‌گذارم.» شاه اسماعیل به رغم مطالبی که در برابر عموم می‌گفت نگران نتیجه بود، امام علی (ع) در رویا دیگر بار او را دلگرم کرد: «ای فرزند دغدغه به خاطر مرسان و در روز جمعه بفرمای که قزلباش تمام یراق بپوشند و در میان هر دو کس از مردم تبریز یک نفر قزلباش قرار گیرند و در آن وقت خطبه بخوان و هرکس خواسته باشد که حرکت کند قزلباش آن را به قتل رسانند.» (اسکندر بیک ترکمان، ۱۳۴۹: ۶۰؛ سیوری، ۱۳۷۴: ۲۷).

۱. تبرائیان گروه و طبقه‌ای از شیعیان هستند که به سبب اعتقاد به وجوب ولایت علی (ع) نسبت به آل علی ابراز تولی و نسبت به سایر خلفا اظهار تبری و بی‌زاری می‌نمایند. در دورانی که شیعیان تحت فشار و آزار بوده‌اند بنابر اصل تقیه از اظهار علنی این امر خودداری می‌کردند اما در ایامی که قدرت در دست شیعیان بود (به ویژه از عصر صفویه) تبری و بی‌زاری از غاصبین حق اهل بیت علناً صورت می‌گرفت.

دلایل تغییر مذهب

دلایل و اهداف شاه اسماعیل اول صفوی از تغییر مذهب از تسنن به تشیع را چنین می‌توان بیان کرد: نخست اینکه توان یک ایدئولوژی مذهبی پویا را به خدمت دولت جدید در می‌آورد و به این ترتیب به دولت این قدرت را می‌داد که بر مشکلات اولیه غلبه کند و نیز قدرت پیش بردن کشور را از درون بحران‌های جدی که حکومت صفوی بعد از مرگ شاه اسماعیل اول در ۱۵۲۴ / ۹۳۰ ق. با آن روبرو شد فراهم آورد. دوم اینکه این عمل تمایز آشکاری بین دولت صفویه و امپراطوی عثمانی که قدرت عمده جهان اسلام در قرن ۱۶ م. / ۱۰ ق. بود به وجود آورد و به این ترتیب به دولت صفوی هویت ارضی و سیاسی داد. خلاصه اینکه برقراری تشیع اثنی عشری به‌عنوان مذهب رسمی کشور توسط صفویه موجب ایجاد آگاهی بیشتری نسبت به هویت ملی و بدین طریق ایجاد دولت متمرکزتر و قوی‌تر شد.

با مراجعه به منابع مهم‌ترین دلایل شاه اسماعیل اول صفوی برای تغییر مذهب ایرانیان، دلایل سیاسی بود. آن‌ها را از این قرار می‌توان بیان کرد:

- دولت صفویه نیاز داشت تا ایران در برابر سرزمین‌های سنی که مهم‌ترین آن‌ها عثمانی بود، هویت منحصر به فرد خود را داشته باشد (Keddie, 2006: 11 ؛ Keddie, 1985: 91 ؛ Altstadt, 1992:5).
- رقابت با عثمانی را باید مهم‌ترین دلیل به شمار آورد؛ صفویان و عثمانیان در تمام زمان هم‌زیستی‌شان، با یکدیگر روابط خصمانه‌ای داشتند و شاهنشاهان صفوی سنی‌ها را نوعی ستون پنجم در سرزمین‌های خود می‌دیدند (Keddie, 2006: 11).
- آن‌ها نیاز به مردمی داشتند که به دولت ایران وفادار باشند و دین برای جلب این وفاداری وسیله مناسبی بود (Roy, 1994:170).

روش‌های شاه اسماعیل اول صفوی برای تغییر مذهب مردم ایران

آشکار است که برقراری تشیع در کشوری که حداقل به‌طور رسمی قسمت اعظم جمعیت آن سنی بودند بدون بروز مخالفت یا بدون تعقیب و آزار کسانی که از قبول آن خودداری می‌ورزیدند، میسر نبود. مجازات نافرمانی تا حد مرگ هم می‌رسید و تهدید به کاربرد زور از ابتدا اعمال می‌شد. در مورد مردم عادی، وجود این تهدیدات برای تغییر مذهب کافی بود اما علما سرسخت‌تر بودند. برخی از آن‌ها کشته شدند؛ عده بیشتری به مناطق سنی‌نشین گریختند (Savory, 1970: 398).

بعد از اعلام تشیع اثنی عشری به‌عنوان مذهب رسمی کشور از سوی اسماعیل، نیاز عاجلی برای برقراری همگونی فکری از طریق ارشاد و تسریع اشاعه عقاید شیعی پدید آمد. گفته شده است کمبود حادی در زمینه آثار قضایی شیعه وجود داشت و یک قاضی شرع نسخه‌ای از یک جزوه قدیمی در مورد اصول عقاید تهیه کرد که به‌عنوان مأخذ برای تعلیمات دینی مورد استفاده قرار می‌-

گرفت. همچنین کمبودی نیز در زمینه علمای شیعی وجود داشت و اسماعیل ناچار شد تعدادی علمای شیعی از سوریه بیاورد. اسماعیل برای نظارت بر اشاعه تشیع و ریاست بر افراد طبقات روحانی مقامی به نام صدر تعیین کرد. مقام صدرات در دولت‌های تیموری و ترکمن وجود داشت؛ اما ویژگی مهم این مقام در دولت صفویه این بود که صدر یک برگزیده سیاسی بود و شاهان صفوی از این مقام برای نظارت بر طبقات روحانی استفاده می‌کردند. از آنجا که صفویان باور به مذهب رسمی را با وفاداری به دولت معادل می‌دانستند، ریشه‌کنی عقاید مخالف ضروری بود و این کار نیز قسمتی از وظایف صدر بود. عملکرد خوب بازوی دنیوی حکومت و توانایی بقا در برابر حملات خصمانه همسایگان سنی آن، وابسته به برقراری موفقیت‌آمیز همگونی فکری بود. این کار که در ابتدا بخش عمده وظایف صدر را تشکیل می‌داد تا پایان سلطنت اسماعیل به‌طور عمده انجام پذیرفته بود؛ از آن پس توان صدر به‌طور عمده مصروف اداره کلی نهاد مذهب و نظارت بر اوقاف می‌شد. در نتیجه نفوذ سیاسی صدر پایین آمد (سیوری، ۱۳۷۴: ۲۹).

به‌طور خلاصه روش‌های تغییر مذهب توسط شاه اسماعیل صفوی را چنین می‌توان بیان کرد:

- تحمیل مذهب شیعه به عنوان مذهب اجباری و حکومتی و مجبور کردن بسیاری از صوفیان سنی مذهب به شیعه شدن (Keddie, 2006: 13-20 ؛ Stearns, 2001:360 ؛ R. Ward, 2009:43).
- شاه اسماعیل مساجد اهل سنت را نابود کرد. تومه پیرس، سفیر پرتغالی چین که در آن زمان به ایران سفر کرده بود در کتاب خود می‌نویسد: «او (شاه اسماعیل) کلیساهای ما را اصلاح می‌کند و خانه همه مسلمانانی که از محمد پیروی می‌کنند خراب می‌کند» (Yeroushalmi, 1995:20).
- او لعن آیینی و اجباری سه خلیفه اول اهل سنت (ابوبکر، عمر و عثمان) را به عنوان غاصبان خلافت در مساجد اجباری کرد، دارایی سنی‌ها را کشف و ضبط کرد، طریقت‌های سنی مذهب را از هم پاشید، از حمایت دولت برای توسعه زیارتگاه‌ها، نهادها و هنر شیعی استفاده کرد. او همچنین عالمان شیعه را جایگزین عالمان سنی کرد (Kr Singh & Brown, 2003:191 ؛ Robinson, 1996:72 ؛ Samiuddin, 2003:90).
- او خون سنی‌های زیادی را ریخت و به تخریب و بی حرمتی قبرها و مساجد سنی‌ها پرداخت تا حدی که بایزید دوم که در ابتدا پیروزی‌های شاه اسماعیل را به او تبریک می‌گفت از او درخواست کرد آزار سنی‌ها را متوقف کند اما شاه اسماعیل به خواسته او توجهی نکرد و همچنان به گسترش شیعه‌گری با شمشیر ادامه داد (R. Ward:44 ؛ Badiozamani, 2005:174-175).
- او سنی‌های سرسخت را آزار، اعدام و زندانی کرد (Spencer, 2000:51 ؛ Robinson:72).

- او ۱۸ ذی حجه سالروز ولایت خلیفه چهارم علی بن ابی طالب و ۹ ربیع‌الاول سالروز کشته شدن خلیفه دوم عمر بن خطاب را جشن ملی اعلام کرد. هر چند بعدها این جشن با بهبود روابط با کشورهای سنی مذهب از بین رفت (Daniel & Mahdi, 2006:185).
 - در سال ۱۵۰۱ م. اسماعیل از شیعیان خارج از ایران دعوت کرد به ایران بیایند تا از خود در برابر اکثریت سنی در امان باشد (Spencer:51).
- شاه اسماعیل خود نیز دو دیوان تصنیف کرد، اولی به ترکی و دومی به فارسی که در مدح ائمه بود، او همچنین بقاع متبرکه امامان را تجدید بنا و حفاظت کرد (سرور، ۱۳۷۴: ۱۲۴).

مؤلفه‌ها و ویژگی‌های مذهب شاه اسماعیل صفوی

الف) تعصب مذهبی

شاه اسماعیل فرزند کسی بود که در تعصب مذهبی افراطی بود. شیخ حیدر پدر او، فرقه حیدریه را بنیان نهاد و احساسات خصمانه نسبت به سنیان را در میان پیروان خود ایجاد و تقویت کرد. او با نفوذ کلام و جاذبه شخصیت خود و احترام ستایش‌آمیزی که مریدان نسبت به او داشتند، این احساس را در میان مریدان خود ریشه‌دار کرد. پس از آنکه اسماعیل را به لاهیجان بردند، او در آنجا در میان انبوهی از شیعیان پرورش یافت. مصاحی او در مدت پنج سال اقامت در لاهیجان، مریدان متعصب پدر، خادمان شیعه کارکیا علی حاکم لاهیجان و همچنین مولانا شمس الدین لاهیجانی، عالم متعصب شیعه بود (پارسادوست، ۱۳۸۷: ۶۹۴).

شاه اسماعیل از اوان کودکی با مذهب و حالت افراطی آن بزرگ شد و پرورش ذهنی و شخصیتی او به دست کسانی انجام گرفت که به مذهب شیعه اعتقاد عمیق و با مذهب تسنن مخالفت کینه‌توزانه داشتند. شاه اسماعیل هنگامی که به تخت سلطنت نشست ۱۵ سال داشت. شور جوانی همراه با تبلیغات مذهبی او را متعصب سرسخت بار آورده بود.

عامل دیگری که در تعصب مذهبی شاه اسماعیل نقش برجسته داشت، اعتقاد او به داشتن رسالت از طرف خداوند، پیامبر اسلام و امامان شیعه برای برقراری مذهب شیعه در ایران و گسترش آن بود. او باور داشت که او را «به این کار باز داشته‌اند و خدای عالم و حضرات ائمه معصومین» (تاجبخش، ۱۳۷۲: ۵۹) همراه او هستند.

تعصب شدید مذهبی شاه اسماعیل و کینه‌توزی مذهبی او نسبت به مسلمانان سنی موجب کشتارهای گسترده دسته جمعی گردید. او در هر شهری که گشود اولین عاملی را که مورد نظر داشت تحمیل مذهب شیعه و کشتن سنیانی بود که حاضر به ترک مذهب خود و یا مهم‌تر از آن، دشنام دادن به مقدسات مذهبی خود نمی‌شدند.

ب) بت مذهبی

شاه اسماعیل با آنکه خود را منسوب به خاندان امامت شیعیان می‌دانست، و به همین جهت می‌بایست توجه عموم را به ستایش خدای یگانه جلب کند، خود را در شعرهایی که به ترکی سرود، خدای زنده معرفی کرد که روح خداوندی در او حلول کرده است. مریدانش نیز که عموماً از غلات شیعه بودند براساس معتقدات مذهبی خود، آن را باور داشتند و شاه اسماعیل را خدای مجسم خود دانستند.

بازرگان ونیزی که سال‌ها در ایران اقامت داشت درباره مقام خدایی شاه اسماعیل و اعتقاد راسخ قزلباشان به او می‌نویسد مریدانش «نام خدا را در سراسر ایران فراموش کرده و فقط اسم اساعیل را به‌خاطر سپرده‌اند. اگر کسی هنگام سواری از اسب بر زمین افتد یا پیاده شود هیچ خدای دیگری را جز شیخ (اسماعیل) به یاری نمی‌طلبند» (بازرگان ونیزی، ۱۳۴۹: ۴۲۹).

از صفت‌های ذات پروردگار، «لم یزل و لایزال» و جاودانی بودن است. مریدان شاه اسماعیل نیز او را چون خداوند، همیشه «جاوید» (همان‌جا) دانستند و همه معتقد بودند «که او نخواهد مرد.» (همان: ۳۲۳) او مریدان و مردم را به ستایش خود واداشت. بازرگان ونیزی که خود شاهد مسابقه‌های سیب‌اندازی شاه اسماعیل و امیرانش با تیر و کمان بود می‌نویسد، در هنگام تیراندازی، افزون بر نوازندگی، «دختران رقاص به شیوه خود پایکوبی می‌کنند و در ستایش اسماعیل سرود می‌خوانند.» (همان: ۴۲۳) او گواهی می‌دهد پس از پایان تیراندازی و هنگامی که شاه اسماعیل برای خوردن شام به کاخ هشت بهشت می‌رفت «همه امیران (شرکت‌کننده در تیراندازی) در ستایش سرور خود اسماعیل سرود می‌خوانند و عنایتی را که نسبت به ایشان دارد می‌ستایند.» (همان: ۴۲۲).

ج) رواج خرافه‌ها

هنگامی که شاه اسماعیل مذهب شیعه را مذهب رسمی کشور اعلام کرد، شیعیان ایران در تقیه به سر می‌بردند، آنان به علت وجود اختناق مذهبی که از طرف امیران سنی و عالمان مذهب سنی برقرار شده بود و نداشتن کتاب‌های شیعه، عموماً از اصول و احکام آن بی‌اطلاع بودند. سنیان ایران نیز که اکثریت جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند علاقه‌ای به داشتن آن اصول و احکام نداشتند. به همین جهت از وظیفه‌های مهم صدر، تهیه کتاب‌های شیعه، پخش آن‌ها و موظف ساختن تعداد کثیری از افراد برای دادن آموزش مذهبی به مردم ایران بود. عالمان مذهبی شیعه بر اثر سیاست مذهبی شاه اسماعیل که مبنی بر حاکمیت مذهب بر جامعه ایرانی بود، و با نفوذ در اندیشه و احساس مردم قادر شدند در بالاترین سطح قدرت اجتماعی قرار گیرند، و در مواردی نیز قدرت شاه را به زانو درآورند و او را تسلیم نظرهای خود کنند. این دین‌پیشگان به‌جای بالا بردن سطح آگاهی مردم نسبت به واقعیت‌های مذهب اسلام و تعلیم احکام و اصول مذهب شیعه که خود از آن کم‌بهره بودند، خرافه‌هایی را به نام مذهب در اندیشه آنان جای دادند. این دین‌پیشگان که بقا و حفظ

موقعیت اجتماعی خود را وابسته به قدرت پادشاه صفوی می‌دیدند از ستایش‌کنندگان و پشتیبانان آنان شدند و با تبلیغ‌های گمراه‌کننده خود تشیعی را در ذهن مردم ایران تصویر کردند که آلوده به خرافه‌ها بود (پارسادوست: ۷۰۶).

نتایج و پیامدهای مذهب شاه اسماعیل صفوی

از پیامدهای سیاست مذهبی شاه اسماعیل صفوی، به‌وجود آمدن نفاق بیشتر در جامعه ایرانی بود. مردم ایران که در طول تاریخ از وجود نفاق در میان خود آسیب‌ها دیده بودند، با پادشاهی شاه اسماعیل با زبان‌های بیشتر آن روبه‌رو گردیدند.

الف) نفاق مذهبی

شاه اسماعیل با اتخاذ سیاست مذهبی درباره وادار کردن ایرانیان به‌قبول مذهب شیعه، نفاق مذهبی را به گونه کم سابقه‌ای در جامعه ایرانی شدت بخشید. دشمنی کینه‌توزانه شاه اسماعیل به سنیان موجب گردید قزلباشان، افزون بر احساس شخصی، به‌منظور ابراز علاقه و اعتقاد خود به مرشد کامل در کینه‌ورزی نسبت به سنیان زیاده‌روی کنند تا خود را پیرو راستین مرشد کامل نشان دهند. در این میان، تبرایان، به‌عنوان اهرم فشار و مسلط ساختن جو اختناق مذهبی بر کشور، با ارتکاب بی‌رحمی‌ها و خشونت‌ها، حس کینه‌توزی و انتقام‌جویی را در میان مردم ایران تحریک کردند و آن را عمیق‌تر نمودند (پارسادوست: ۷۲۱-۷۲۰).

ب) ایجاد دشمنی با همسایگان سنی

سیاست تعصب‌آمیز مذهبی شاه اسماعیل نه‌تنها در داخل کشور، و در میان مردم ایران ایجاد نفاق و کینه‌توزی کرد بلکه در خارج از مرزهای ایران نیز تأثیرهای زیانبخش به‌جای گذاشت. شاه اسماعیل بر این اعتقاد بود که از طرف «اُمّه معصومین» رسالت دارد مذهب شیعه را رواج دهد. مذهب، مرزهای ملی را در می‌نوردد و فراتر از آن می‌رود. مذهب کل جامعه انسانی را مورد توجه قرار می‌دهد و می‌کوشد شعاع عمل خود را در همه نقاط جهان گسترش دهد. اعزام میسیون‌های مذهبی مسیحیت از طرف پاپ و کشورهای مسیحی اروپا به کشورهای آسیا، آفریقا و سپس آمریکا نشانه‌ای از چنین برداشتی است. شاه اسماعیل نیز با اعزام خلیفه‌ها به ولایت‌های عثمانی و شام و تبلیغ مذهب شیعه و تحریک شیعیان آن ولایت‌ها به ضدیت با زمامداران سنی خود به دخالت در امور داخلی آن‌ها پرداخت و زمامداران آن‌ها را نگران قدرت خود ساخت. این عمل، موجب مخالفت زمامداران آن کشورها علیه او می‌گردید. ولی شاه اسماعیل به آن بسنده نکرد و با دشنام دادن به مقدسات مذهبی سنیان و کشتن سنیانی که حاضر به توهین به مقدسات مذهبی خود نبودند خشم و کینه سنیان دنیای اسلام و زمامداران آن را علیه خود و ایران برانگیخت (پارسادوست: ۷۲۲-۷۲۳).

نتیجه

در مجموع باید گفت که حکمرانی شاه اسماعیل اول صفوی در تاریخ ایران به دلایلی قابل بحث و تفحص می‌باشد. دلیل نخست اینکه پس از گذشت نه‌صد سال از انقراض شاهنشاهی ساسانیان؛ یک فرمانروایی پادشاهی متمرکز ایرانی توانست بر سراسر ایران آن روزگار فرمانروایی نماید. بعد از اسلام، چندین پادشاهی ایرانی مانند صفاریان، سامانیان، طاهریان، زیاریان، آل بویه و سربداران روی کار آمدند، لیکن هیچ‌کدام نتوانستند تمام ایران را زیر پوشش خود قرار دهند و میان تمام نواحی و مناطق جغرافیایی ایران در آن دوران یکپارچگی پدیدآورند. دلیل دوم، اعلام رسمی مذهب شیعه دوازده امامی بود. تغییر مذهب ایرانیان از تسنن به تشیع در طی سده‌های شانزدهم تا هجدهم میلادی به وقوع پیوست و ایران را به مرکز تشیع در جهان تبدیل کرد. از عوامل مهم در تغییر مذهب از سوی شاه اسماعیل اول صفوی، از تسنن به تشیع را چنین می‌توان بیان کرد که وی با تکیه بر یک ایدئولوژی مذهبی پویا بتواند بر مشکلات اولیه غلبه کند و این عمل تمایز آشکاری بین دولت صفویه و امپراطوری عثمانی که قدرت عمده جهان اسلام در قرن ۱۶ م. / ۱۰ ق. بود به وجود آورد و به این ترتیب به دولت صفوی هویت ارضی و سیاسی داد. خلاصه اینکه برقراری تشیع اثنی عشری به‌عنوان مذهب رسمی کشور توسط صفویه موجب ایجاد آگاهی بیشتری نسبت به هویت ملی و بدین طریق ایجاد دولت متمرکزتر و قوی‌تر شد.

آشکار است که برقراری تشیع در کشوری که حداقل به‌طور رسمی قسمت اعظم جمعیت آن سنی بودند بدون بروز مخالفت یا بدون تعقیب و آزار کسانی که از قبول آن خودداری می‌ورزیدند، میسر نبود. مجازات نافرمانی تا حد مرگ هم می‌رسید و تهدید به کاربرد زور از ابتدا اعمال می‌شد. در مورد مردم عادی، وجود این تهدیدات برای تغییر مذهب کافی بود اما علما سرسخت‌تر بودند. برخی از آن‌ها کشته شدند؛ عده بیشتری به مناطق سنی‌نشین گریختند. از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های مذهب شاه اسماعیل صفوی، تعصب شدید در مذهب تشیع، بت قرار دادن شاه اسماعیل از سوی پیروان و مریدانش و پرستش وی به جای خدای یگانه و رواج خرافه‌پرستی از عالمان مذهبی که در نهایت باید گفت که مذهب شاه اسماعیل نتایج و پیامدهای را به دنبال داشت که می‌توان به نفاق مذهبی و ایجاد دشمنی با همسایگان سنی و در نهایت به‌وجود آمدن نفاق بیشتر در جامعه ایرانی بوده است. مردم ایران که در طول تاریخ از وجود نفاق در میان خود آسیب‌ها دیده بودند، با پادشاهی شاه اسماعیل با زبان‌های بیشتر آن روبه‌رو گردیدند.

منابع

- اسکندر بیک ترکمان (۱۳۴۹)، عالم آرای شاه اسماعیل، با مقدمه و تصحیح و تعلیق اصغر منتظر صاحب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بازرگان ونیزی (۱۳۴۹)، سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه) سفرنامه‌های ونیزیانی که در زمان اوزون حسن آق‌قویونلو به ایران آمده‌اند، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- پارسادوست، منوچهر (۱۳۸۷)، شاه اسماعیل اول، پادشاهی با اثرهای دیرپای در ایران و ایرانی، تهران: انتشار.
- تاجبخش، احمد (۱۳۷۲)، تاریخ صفویه، شیراز: انتشارات نوید.
- سرور، غلام (۱۳۷۴)، تاریخ شاه اسماعیل صفوی، ترجمه: محمد باقر آرام، عباسقلی غفاری فرد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سیوری، راجر (۱۳۷۴)، ایران عصر صفوی، ترجمه: کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۴۵)، زندگانی شاه عباس اول، ج ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Audrey L. Altstadt, "The Azerbaijani Turks: Power and Identity Under Russian Rule", Hoover Institution Press, Stanford University.
- Badi Badiozamani, (2005), "Iran and America: Re-kind[ing] a Love Lost", East West Understanding Pr.
- Daniel W. Brown, (2003), "A New Introduction to Islam", Wiley, Blackwell.
- David Yeroushalmi, (1995), "The Judeo-Persian poet 'Emrānī and his "Book of treasure", E.J.BRILL. Leiden. New york.
- Elton L. Daniel, 'Alī Akbar Mahdī, (2006), "Culture and Customs of Iran", Greenwood Publishing Group.
- Francis Robinson, (1996), "The Cambridge Illustrated History of the Islamic World", Cambridge University Press.
- Nagendra Kr Singh, Abida Samiuddin, (2003), "Encyclopaedic Historiography of the Muslim World", Global Vision Publishing House.
- Nikki R. Keddie, (1985), "Iran: religion, politics, and society: collected essays", Frank Cass in New York.
- Nikki R. Keddie, (2006), "Modern Iran: roots and results of revolution", ed. Yann Richard, Yale University Press in New Haven & London.
- Olivier Roy, (1994), "The Failure of Political Islam", Translated by Carol Volk, Harvard University Press, America.
- Peter N. Stearns, (2001), "The Encyclopedia of World History: Ancient, Medieval, and Modern, Chronologically Arranged", Houghton Mifflin in America.
- R.M.Savory, (1970), "Safavid Persia", in Cambridge History of Islam, vols 1, Cambridge.

- R.M.Savory,(1972), “Iran: A 2,500 year historical and cultural tradition”, in Iranian Civilization and Culture, ed. Charles J.Adams, Canadaian: Montraeal.
- Steven R. Ward,(2009), “Immortal: A Military History of Iran and Its Armed Forces”, Georgetown University Press, America.
- William Spencer, (2000), “Iraq: Old Land, New Nation in Conflict” Twenty-First Century Books.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی